

# گنجینه موسیقی

درسنامه‌ی غناء و موسیقی

متن درس خارج فقه رهبر معظم انقلاب اسلامی  
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مد ظله العالی  
در موضوع غناء و موسیقی

## مقدمه

علم فقه، علم استخراج احکام الهی و تکالیف بندگان است. فقه شیعه، به سبب پویایی مبتنی بر اصالت خود توانسته است حجت شرعی را از منابع استنباط برای سؤالات عموم مکلفان حتی در موارد نوپدید (مسائل مستحدثه) ارائه نماید. مجتهدان بزرگ با ارائه و عرضه‌ی مباحث عمیق فقهی در قالب دروس به رشد و گسترش این علم کمک کرده‌اند. مسأله‌ی «غناء» با وجود ادله‌ی شرعی معتبر بر حرمت آن، از حیث معنا، قلمرو موضوع و مناطق حرمت، از مسائل مشکل در فقه به شمار می‌آید. امروزه و با وجود رسانه‌های متعدّد صوتی و تصویری، تشخیص مصداق غناء از امور پراستلاء به شمار می‌رود.

مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی - انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای «مدظله‌العالی») در اولین گام از انتشار سلسله دروس فقهی رهبر معظم انقلاب (مدظله)، به هدف شناخت نگاه و روش فقهی معظّم‌له، درس‌نامه غناء موسیقی را که در قالب ۷۶ جلسه‌ی درسی در سالهای ۸۸ - ۱۳۸۷ مطرح شده است منتشر می‌کند. پیشتر مقاله‌ی عربی معظّم‌له در همین موضوع توسط این مؤسسه در مجله‌ی فقه اهل بیت (علیهم السلام) منتشر شده است. امید است مجموع این مباحث به غنای تحقیقات فقهی در این موضوع کمک کند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

## فهرست مطالب

۱	مباحث مقدماتی
۱	اهمیت مسئله‌ی غناء
۱	اهمیت بیشتر بحث غناء در عصر حاضر
۲	لزوم شناخت حدود شرعی مسئله
۲	مقصد اصلی در باب مکاسب
۳	لزوم بررسی حکم و موضوع غناء
۳	مسلم بودن حرمت اجمالی غناء
۴	وجه بررسی اجماع
۴	اختلافی بودن حدود حرمت غناء
۴	تقدم بررسی ادله بر بحث از موضوع
۵	روایات؛ مدرک اصلی بحث
۵	تضعیف منبع بودن عقل در بحث غناء
۸	دسته‌بندی و بررسی روایات
۸	دسته‌ی اول: روایات وارده در ذیل آیات
۸	بخش اول از دسته‌ی اول: روایات ذیل آیه‌ی «واجتنبوا قول الزور»
۸	روایت اول: معتبره‌ی ابی بصیر
۹	روایت دوم: معتبره‌ی زید شحام
۹	روایت سوم: صحیح‌ه‌ی هشام
۱۱	روایت چهارم: روایت عبدالاعلی
۱۲	روایت پنجم: صحیح‌ه‌ی حماد
۱۲	روایت ششم: روایت ابو موسی
۱۲	روایت هفتم: معتبره‌ی زید نرسی
۱۵	روایت هشتم: روایت عبدالله بن ابی بکر

۱۶	استفاضه‌ی روایات.....
۱۶	دو برداشت اشتباه از روایات.....
۱۷	علت صدور اکثر روایات از امام صادق (علیه السلام).....
۴۳	گرایشهای سه‌گانه در قبال روایات بخش اول.....
۴۳	گرایش اول.....
۴۴	گرایش دوم.....
۴۴	گرایش سوم.....
۴۵	نقد گرایش اول.....
۴۹	تأیید بدوی گرایش دوم.....
۵۰	دو اشکال بر گرایش دوم.....
۵۱	تأیید گرایش سوم.....
۵۳	گرایش سوم؛ نظر مختار.....
۵۵	بخش دوم از روایات دسته‌ی اول: روایات ذیل آیه‌ی «لایشهدون الزور».....
۵۵	روایت اول: صحیح‌ه‌ی ابی الصباح.....
۵۶	روایت دوم: صحیح‌ه‌ی دوم ابی الصباح.....
۵۶	روایت سوم: روایت دعائم.....
۵۷	روایت چهارم: روایت مجمع‌البیان.....
۵۷	مناقشه بر استدلال به روایات بخش دوم برای اثبات حرمت.....
۵۸	بخش سوم از دسته‌ی اول: روایات ذیل آیه‌ی «لهوالحدیث».....
۵۸	روایت اول: معتبره‌ی محمدبن مسلم.....
۵۸	روایت دوم: معتبره‌ی مهران بن محمد.....
۵۹	روایت سوم: معتبره‌ی وشاء.....
۵۹	روایت چهارم: روایت حسن بن هارون.....
۷۹	بخش چهارم از روایات دسته‌ی اول: روایات ذیل آیه‌ی «وإذا مرؤا بالنعو».....
۸۰	روایت اول: معتبره‌ی ابی‌اثوب.....
۸۲	روایت دوم: روایت دعائم.....
۸۳	روایت سوم: روایت ابن‌ابی‌عباد.....
۸۵	بخش پنجم از روایات دسته‌ی اول: روایات استشهاد به آیات.....
۸۵	روایت اول: موثقه‌ی عبدالاعلی.....
۹۵	روایت دوم: معتبره‌ی یونس.....
۹۹	دسته‌ی دوم: روایات غیر وارده در تخیل آیات.....
۹۹	روایت اول: صحیح‌ه‌ی شخام.....
۱۰۱	روایت دوم: روایت ضعیف شخام.....

- روایت سوّم: روایت ابی الزّبیع شامی ..... ۱۰۵
- روایت چهارم: روایت ابی بصیر و محمّد بن مسلم ..... ۱۰۷
- روایت پنجم: روایت تفسیر امام عسکری (علیه السّلام) ..... ۱۰۹
- دسته ی سوّم روایات: روایات استماع غناء ..... ۱۱۰
- روایت اوّل: معتبره ی عنبسه ..... ۱۱۰
- روایت دوّم: مرسله ی مدینی ..... ۱۱۳
- روایت سوّم: معتبره ی علی بن جعفر ..... ۱۱۵
- روایت چهارم: روایت سعید بن علاق ..... ۱۱۶
- روایت پنجم: نبوی «جامع الاخبار» ..... ۱۱۶
- روایت ششم: روایت «خصال» ..... ۱۱۶
- روایت هفتم: روایت «کتاب من لا یحضره فقیه» ..... ۱۱۷
- روایت هشتم: روایت دیگر «خصال» ..... ۱۱۷
- روایت نهم: صحیحه ی مسعده ..... ۱۱۸
- روایت دهم: روایت جهّم ..... ۱۲۳
- روایت یازدهم: روایت یاسر خادم ..... ۱۲۵
- روایت دوازدهم: صحیحه ی عاصم ..... ۱۲۶
- روایت سیزدهم: مرسله ی ابی ولّاد ..... ۱۲۹
- روایت چهاردهم: روایت حسن بن علی بن یقطین ..... ۱۳۲
- روایت پانزدهم: مرسله ی ابراهیم بن ابی البلاد ..... ۱۳۴
- روایت شانزدهم: روایت طاظری ..... ۱۳۷
- دسته ی چهارم: روایات کسب مغنّیه ..... ۱۳۹
- روایت اوّل: روایت اوّل نصر بن قابوس ..... ۱۳۹
- روایت دوّم: روایت دوّم نصر ..... ۱۴۰
- روایت سوّم: روایت اوّل ابراهیم بن ابی البلاد ..... ۱۴۲
- روایت چهارم: صحیحه ی ابراهیم بن ابی البلاد ..... ۱۴۲
- روایت پنجم: توقیع اسحاق بن یعقوب ..... ۱۴۷
- روایت ششم: معتبره ی حسن بن علی و شاء ..... ۱۴۸
- روایت هفتم: روایت طاظری ..... ۱۵۰
- روایت هشتم: صحیحه ی معمر بن خلّاد ..... ۱۵۰
- روایت نهم تا چهاردهم: شش حدیث نبوی (صلی الله علیه وآله) ..... ۱۵۲
- دسته ی پنجم: روایات مربوط به غناء در قرآن ..... ۱۵۵
- روایت اوّل: روایت عبدالله بن سنان ..... ۱۵۵
- روایت دوّم: روایت ابن عبّاس ..... ۱۶۳

۱۶۷.....	روایت سوّم: روایت صدوق با سه سند
۱۶۹.....	روایت چهارم: روایت سلمان
۱۷۰.....	جمع‌بندی روایات
۱۷۰.....	ترتیب بحث‌های آینده
۱۷۳.....	وجود روایات مطلق
۱۷۳.....	بررسی اطلاق روایات ذیل آیات
۱۸۸.....	محصل مجموع روایات؛ حرمت غناء لهوی
۱۹۰.....	معنای غناء
۱۹۰.....	معانی غناء در کلام نراقی
۱۹۱.....	جمع‌بندی فاضل نراقی (قدّس سزه) درباره‌ی معانی گفته‌شده برای غناء
۱۹۳.....	تعدّد معانی گفته‌شده برای غناء
۱۹۳.....	راهکار گرفتن قدر متیقّن از معانی غناء
۱۹۳.....	نقد راهکار مذکور
۱۹۴.....	راهکار رجوع به عرف برای شناخت مفهوم
۱۹۴.....	نقد راهکار رجوع به عرف
۱۹۵.....	راهکار صحیح؛ مراجعه به استعمالات اهل لغت، عرف، ادب و فقه
۱۹۵.....	استعمال غناء در دو معنا
۱۹۵.....	۱- معنای عامّ غناء
۱۹۶.....	فرق اطراب با تطریب
۱۹۶.....	معادل فارسی معنای اوّل غناء
۱۹۷.....	کلام مرحوم نجفی
۱۹۸.....	۲- معنای خاصّ غناء و معادل فارسی آن
۱۹۹.....	مقایسه‌ی بین معنای اوّل و دوّم غناء و بیان فرق آن دو
۲۰۰.....	کلام شیخ اعظم
۲۰۰.....	تأیید بخشی از کلام شیخ (رحمه‌الله) و اشکال بر بخشی دیگر از آن
۲۰۱.....	استشهاد به روایات تحسین صوت در قرآن برای نفی حرمت غناء به معنای عام
۲۰۳.....	بررسی روایات تحسین صوت
۲۰۳.....	روایت اوّل: روایت ابی‌بصیر
۲۰۴.....	روایت دوّم: صحیح‌هی معاویه‌بن عمّار
۲۰۵.....	روایت سوّم: روایت نوفلی
۲۰۶.....	دو روایت مؤثّد
۲۰۷.....	تفکیک بین معنای اوّل و دوّم بر اساس روایات تحسین صوت

۲۰۷.....	کلام مرحوم اصفهانی (رحمه الله) در تفکیک بین دو معنا
۲۰۹.....	نادرست بودن مراجعه به اقوال لغویین برای فهم معنای غناء
۲۱۰.....	ترتیب مباحث برای رسیدن به معنای دَوم غناء
۲۱۰.....	لزوم مراجعه به عرف برای فهمیدن مصداق غناء به معنای دَوم
۲۱۱.....	عدم دخالت حسن صوت در معنای دَوم غناء
۲۱۱.....	عدم دخالت انطباق با دستگاه‌های موسیقی در معنای دَوم غناء
۲۱۳.....	بررسی دخالت طرب و اطراب در معنای دَوم غناء
۲۱۳.....	معنای طرب
۲۱۴.....	عدم دخالت قید طرب در معنای دَوم غناء
۲۱۴.....	برداشت اشتباه شیخ از کلام صاحب قاموس در معنای غناء
۲۱۵.....	فرق بین اطراب و تطریب
۲۱۵.....	عدم ملازمه بین غناء و طرب
۲۱۶.....	چند مثال برای استبعاد ملازمه
۲۱۷.....	کلام صاحب مفتاح الکرامه در تأیید نظر مختار
۲۱۷.....	معنای اطراب در کلام محقق و دیگران
۲۱۸.....	اشکال شیخ بر صاحب مفتاح الکرامه
۲۱۸.....	پاسخ به اشکال شیخ
۲۱۹.....	کلام شیخ در مورد اطراب
۲۲۰.....	بررسی کلام شیخ
۲۲۰.....	چکیده‌ی بحث؛ عدم دخالت اطراب در معنای دَوم غناء
۲۲۱.....	نکاتی برای رسیدن به شناخت صحیح مفهوم غناء
۲۲۱.....	۱- تداول مفهوم غناء در همه‌ی عرفها
۲۲۲.....	۲- عدم تفاوت مفهومی غناء بین اهل فسق و غیر آنان
۲۲۲.....	۳- عدم دخالت حُسن صوت و انطباق بر دستگاه‌های موسیقی در مفهوم غناء
۲۲۳.....	۴- عدم دخالت ملازمت با آلات موسیقی در مفهوم غناء
۲۲۳.....	۵- دخالت نداشتن طرب در مفهوم غناء
۲۲۴.....	۶- عدم دخالت حَقانیت و باطل بودن کلام در مفهوم غناء
۲۲۴.....	۷- دخالت نداشتن مقارنت با کلام در صدق مفهوم غناء
۲۲۵.....	۸- عدم صدق غناء بر تلاوت‌های متعارف قرآن و اذان
۲۲۵.....	انصراف روایات تحریم غناء از معنای عام غناء
۲۲۷.....	ادّعی مرحوم فیض کاشانی مبنی بر انصراف روایات به غناء زمان ائمّه (علیهم السلام)
۲۲۷.....	دو تفسیر برای کلام فیض (قدّس سرّه)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَفْضَلِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ  
وَعَلَى وَصِيَّتِهِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الْمُعْصومِينَ مِنْ آلِهِ  
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَا سَيِّئًا لِلْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا.

موضوع غناء و موسیقی، سابقه‌ی بسیار طولانی در تاریخ بشر دارد و یکی از موضوعاتی است که در میراث مکتوب مسلمانان، احادیث و داستانهای بسیاری درباره‌ی آن به جا مانده و تقریباً در اکثر کتب فقه و حدیث، از آن و مسائل متعدد مرتبط با آن سخن رفته است.

متأسفانه به فاصله‌ی کمی پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) غناء در مدینه و دربار بنی امیه و بنی مروان در شام و پس از آن در دستگاه خلافت بنی عباس در بغداد رواج فراوان یافت؛ به طوری که وقتی حنین بن بلوع (م حدود ۱۱۰ هـ. ق) مغنی مشهور و طراز اول عراق را برای خوانندگی به مدینه دعوت کردند، به استقبالش تا خارج مدینه رفتند، و حیاط و بام منزلی که برنامه اجرا کرد از جمعیت پر شد و وقتی شروع به خوانندگی کرد و ابیاتی خواند، روی پشت بام ازدحام زیاد شد و سقف بر سر حاضران فرو ریخت، و همه جان سالم به در بردند، جز حنین مغنی که زیر آوار مُرد.<sup>۱</sup> در حالی که

۱. الأعلام، زرکلی، ج ۲، ص ۲۸۸: «حَنِينُ بْنُ بَلُوعٍ... وَلَعَّ بِالْغِنَاءِ وَالضَّرْبِ عَلَى الْعُودِ فَأَخَذَ عَنْ عُلَمَائِهِ وَانْفَرَدَ بِصِنَاعَتِهِ فِي الْعِرَاقِ، لَا يِرَاحِمُهُ فِيهَا مِرَاحِمٌ. وَكَانَ الْمَغْنُونُ فِي عَصْرِهِ أَرْبَعَةَ: ثَلَاثَةٌ فِي الْحِجَازِ (ابن سُرَيْجٍ، وَالْغَرِيضُ، وَمَعْبِدٌ) وَهُوَ وَوَحْدَهُ فِي الْعِرَاقِ. فَلَمَّا ذَاعَتْ شَهْرَتُهُ كَتَبُوا إِلَيْهِ أَنْ يَزُورَهُمْ فَشَخَّصَ إِلَيْهِمْ، وَهَمَّ



میبایست در مدینه‌ی منوره چنین ازدحامی برای شنیدن احادیث رسول خدا یا ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) رخ میداد.

نیز درباره‌ی ابراهیم بن سعد زهری، نوه‌ی عبدالرحمن بن عوف نوشته‌اند:

وی شیفته‌ی غناء بود و وقتی در زمان هارون الرشید به بغداد رفت، شرط کرد که بدون غناء تحدیث نکند.<sup>۱</sup>

ابراهیم عموی مأمون عباسی که مدتی در بغداد خلیفه بود، خودش مغنی بود و مغنیان معروف در دستگاه بنی عباس بسیار زیاد بودند و کتاب مبسوط و مفصل ۲۵ جلدی اغانی ابوالفرج اصفهانی مشتمل بر انواع اغانی مغنیان و حکایات شرم‌آور آنان تا زمان حیات ابوالفرج است.

در این کتاب و کتاب فجرالاسلام احمد امین مطالب عجیب و تکان‌دهنده‌ای از رواج غناء در جامعه‌ی اسلامی آمده است؛ ولی در مقابل دستگاه بنی امیه و بنی مروان و بنی عباس، اهل بیت (علیهم‌السلام) بشدت با غناء و متعلقات آن مبارزه کردند که این در احادیث برجای مانده از آن بزرگواران مشهود است. و درباره‌ی هیچ‌یک از ائمه یا همسران یا فرزندان و حتی کنیزان ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) نقل نشده که در مجلس غنائی حاضر شده باشند، یا مغنیه‌ای خریده باشند یا از غناء و مغنیات تعریف و تمجید کرده باشند. و برخی موارد بسیار نادر راجع به این موضوع فقط در کتب اهل سنت نقل شده مانند آنچه راجع به عبدالله بن جعفر آمده<sup>۲</sup> یا راجع به حضرت سکینه بنت الحسین (علیها‌السلام)<sup>۳</sup> که البته قطعاً مجعول است.

باری، ابن ابی الحدید، درباره‌ی مولی‌الموحدین حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌افضل‌صلوات‌المصلین) گوید:

وقد روي عن جماعة من الصحابة والتابعين اللعب بالنرد والشطرنج ومنهم من

فی المدینه فاستقبلوه من خارجها، ... فامتلاً المنزل وسطحه، ولما جلس یغنی آیاتاً من صناعته ازدحم الوقوف علی السطح، فسقط الرواق من تحته فسلموا جميعاً إلا حنیناً فإته مات تحت الهدم.<sup>۴</sup>

۱. تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۶۰۱
۲. رک: غناء و موسیقی، ج ۳، صص ۲۴۲۸ - ۲۴۳۱؛ نیل الأوطار از شوکانی، ج ۸، صص ۱۱۳ - ۱۱۴
۳. اغانی، ج ۲۰، ص ۳۴۱، چاپ دارالکتب

روي عنهم شرب النبيذ و سماع الغناء المطرب. فأما أمير المؤمنين علي (عليه السلام) فإذا نظرت إلى كتب الحديث والسير لم تجد أحداً من خلق الله عدواً ولا صديقاً روى عنه شيئاً من هذا الفن لا قولاً ولا فعلاً. ولم يكن جنداً أعظم من جده ولا وقاراً أتم من وقاره، وما هذل قط ولا لعب ولا فارق الحق والناموس الديني سراً ولا جهراً!

بنابراین، جریان اموی و مروانی و عباسی در پی ترویج و تبلیغ غناء در جامعه‌ی اسلامی، و جریان اهل بیت (علیهم السلام) و موالیان آنان مخالف با آن بوده و این جهات چندان اشتها و شیاع داشته که شاعر بلند آوازه ابوفراس حمدانی (م ۳۵۷ هـ ق) در قصیده‌ی غزای میمیه اش در شأن اهل بیت (علیهم السلام) به آن اشاره کرده و گوید:

بنو علی رعایا فی دیارهم	والأمر تملکة النسوان والخدم
أتفخرون علیهم لا أباً لکم	حتى كأن رسول الله جدکم
کم غدره لکم فی الدین واضحة	و کم دم لرسول الله عندکم
یا باعة الخمر کفوا عن مفاخرکم	لمعشر یبعهم یوم الهیاج دم
تُنشی التلاوة فی آبیاتهم سحر	و فی بیوتکم الأوتار والتغم
منکم علیة أم منهم وکان لکم	شیخ المغتین ابراهیم أم لهم؟!۱
إذا تلووا سورة غتی إمامکم	بف بالطول التي لم یعفها القدم
ما فی بیوتهم للخمر معتصم	ولا بیوتکم للسوء معتصم
ولا تبیت لهم خنثی تنادهم	ولا یرى لهم قرد ولا حشم
الرکن والبیث والأستار منزلهم	وزمزم والصفاء والحجر والحرم <sup>۲</sup>

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۳۶. ترجمه: «در باره‌ی گروهی از صحابه و تابعین روایت شده است که با نزد و شطرنج بازی میکردند. برخی از ایشان نبیذ مینوشیدند و غناء مطرب را گوش میکردند. اما اگر کتابهای حدیث و سیره را بنگری هیچ دوست و دشمنی از خلق الله را نمی یابی که در مورد امیرالمؤمنین علی (ع) چیزی از این هنررانه در گفتار و نه در رفتار مرتکب شده باشد. و هیچ مجدی از مجد او با عظمت تر و هیچ وقاری کامل تر از وقار ایشان نبود. هیچگاه بذله گویی نکرد و هیچگاه بازی نکرد و از حق و قوانین دینی - چه در پنهان و چه در آشکار - دور نشد.»

۲. علیة دختر مهدی بن منصور، عواد بوده و برادرش ابراهیم مغتی و عواد بوده است.

۳. الغدير، ج ۳، صص ۵۴۵ - ۵۴۹. ترجمه: